

متن پرسش

سلام علیکم: در چند پرسش و پاسخ اخیر که درباره هویت دینی و تعلق خاطر مردم به اسلام انقلابی و هندسه انقلاب شد، به نظرم ایجاد برخی سوالات از سوی عزیزان، به این جهت بود که شاید از جهاتی مطلب تان برایشان روشن نشد. حضرتعالی را تا جایی که خودم از طریق ارتباط با شما و آثارتان می‌شناسم، از سالهای پیش نسبت به اینکه تفکر تاریخی تراز در این عصر و زمانه تفکر درباره انقلاب اسلامی و گزیدن ماوایی در مسیر عظیم آن و همراهی با صدا و ندای فطری آن است، دغدغه داشته اید و در همان کتاب آشتی با خدا که از اولین کتب چاپ شده شما بود سعی در گشودن عالمی مقابل انسانهای این زمان و این دوره بودید که عالمی به سعه ارتباط و انس با حقیقت لایقف عالم و وجود احدیت است و مظاهرش در آئینه امام و آقا و شهدای عزیز به ظهور آمده است. در طی این سالها هم با شناختی که بر مطالب تان داشتم و ان شاء الله شناخت ناقص و معیوبی نباشد، معتقدید آن جنبه نامطلوب و برخی عدم تقیّدات به شرایع و برخی نابهنجاری ها و کاستی ها، ناشی از نگشودن توحیدی برای عبور از مدرنیته و نیهیلیسم این دوران به سمت آشتی و یگانگی با مولا و رب العالمین توسط امثال من هست که نام خود را نیروهای گفتمانی انقلاب یا جبهه فرهنگی انقلاب یا افسران جنگ نرم گذاشته ایم، است و در عرصه اجتماعی توقع دینی است که غایتش حیات طیبه و وحدت شخصیت است و در عرصه های مختلف اجتماعی حرف برای گفتن دارد و تابع مدرنیسم نیست بلکه دریچه و افقی برای عبور از آن بسمت توحید نظام ساز و انسان ساز است. با وجود سیل ویران گیر تهدید کننده هویت که جنگ نرم و به اصطلاح ناتوی فرهنگی بود، خود ما اگر آموزش و پرورش و صدا و سیما را منفعل و ضعیف می‌دیدیم و بسیار انتقاد از آن می‌کردیم ولی چقدر توجه کردیم به اینکه افراد جامعه صاحب فکر شوند و به خودآگاهی در این عصر برسند و چرا بسیاری از فعالیت های فرهنگی مان پوچ شد. ولی حضرتعالی در همان پرسش ها و پاسخ ها مردم را از دین فاصله گرفته و سکولار خواندید و به نظرم حرف شما هم این نبود بلکه از کم کاری و پوچ شدن برنامه های فرهنگی می‌گفتید که همسو با مطالب آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود بود و نه اینکه مانند متفکران سکولار غیر انقلابی، مردم را جدا و معارض انقلاب و دین بخوانید و مردم را به دین‌گریزی و کمرنگی هویت دینی در بینشان عنوان کنید. خود شما بسیار راسخ بارها گفته اید انقلاب، دین فردی در باورهای تنگ فردی را در اجتماع آورد و آن موقع که حوادث آبان ۹۸ پیش آمد و مردم تهران در میدان انقلاب قائله را ختم دادند، فرمودید این نشانگر توحید نابی است که مردم را بسمت خود برده است و این عبور مردم از تفکرات غیر نابی است که زیر لوای انقلاب می‌خواهند ماوا بگزینند و در اصل مقابل مکتب امام مکتب

تراشی و رقابت می‌کنند و مردم به ریشه‌ها باورمندند و مطابق داده‌ها اعتقاد به حل مشکلات در بستر نظام دارند جز آن مردمی که بی تفاوت اند یا معارض و برانداز انقلاب و مع الاسف بسیاریشان سرسپردگان استکبار شده‌اند و زندگی و تحلیل‌هایشان در راستای اهداف مدرنیته و لیبرال دموکراسی و مخالفت با انقلاب و نظام و عدم علاقه به بقای آن است. و واقعا اگر پشتوانه مردم نبود چگونه انقلابی و حکومتی به نام دین چهار دهه دوام می‌آورد چیزی که در دوره انبیاء و اولیاء الهی محقق نشد و چگونه انسانهای طرازی مثل حجی و احمدی روشن و سلیمانی و آوینی و شهریاری تربیت شدند و چگونه استحاله عظیمی مثل حوادث سال ۸۸ با حضور عجیب و حیرت آور نهم دی خنثی شد و همه اینها به نظرم شاهدهی است که روح و وجه عریق توحیدی و عرفانی انقلاب و اسلام با وجود برخی ظواهر در دل مردم سخت نفوذ و رسوخ کرده چیزی که رهبر انقلاب در سخنان نیمه شعبان خود به آن اشاره داشتند. هنوز که هنوزه اگر کسی از من سوال کند چرا اینقدر به انقلاب علاقه داری و بخاطرش جوش و خروش و نیرو صرف می‌کنی و زندگی‌ات تمام تبیین و دفاع از انقلاب شده است، دقیقا همین جمله زیبای شما در کتاب انقلاب اسلامی بازگشت به عهد قدسی را مطرح می‌کنم که انقلاب اسلامی در تداوم همان ایام الله است که خداوند درباره اش می‌فرماید «و ذکرهم بایام الله» یعنی بشر وقتی تجلی اسماء الهی را در خود دید و در آینه خویش، خدا را به نظاره نشست حالا آماده می‌شود خدا را در آئینه اجتماع و با تولی به اولیاء الله و جامعه سازی به تماشا بنشیند. امید ما البته به انقلاب بیش از این حرفهاست و این مشکلات و کاستی‌ها را خیری باید ببینیم که فرصتی برای تفکر در انقلاب و کنار زدن حجابهای آن و بنای مسیر تمدن نوین اسلامی و گذار از توسعه و مبانی تمدنی مدرن بسمت تمدن نوین انقلابی و اسلامی است و ان شاء الله همانگونه که شهید آوینی فرمود حضور امام دلیلی است بر اینکه ما به وضع موعود نزدیک هستیم و اکنون در بین الطلوعینی هستیم که صبح در انتظار آن است. من بشخصه امیدم خیلی زیادست و احساس ناامیدی نمی‌کنم و از زاویه دید کلان که به بحث نگاه می‌کنم می‌بینم در مسیر تمدن سازی قطعا این مشکلات هست ولی مگر انقلابی که حتی به تعبیر کسینجر نظم و ستفالی و نظم نوین مبتنی بر توسعه دموکراسی را به چالش کشید و نشان داد آنطور که امثال فوکویاما فکر می‌کردند انقلابی در دنیای سوم ناشی از توسعه نیافتگی است و ما با بسط و الگوسازی توسعه نوین و مورد نیازشان انقلاب را کنترل و سیطره تمدنی مدرنیته را مستحکم می‌کنیم، نیست و اتفاقا انقلاب اسلامی شاهدهی بر گذار از تمدن مدرن و تربیت انسان ابزار ساز و ارضا کننده حال درونی و قالب دورن او برای تغییر نظام عالم، هست و اتفاقی در مقیاس تمدنی رخ داده است. البته طی این مسیر و اینکه مشکلات خار راه ما نشود و زمین گیرمان و منحرف نکند مستلزم صبر و بصیرتی چنان است که امیرالمومنین درباره اش فرمود: «لا یحمل هذا العلم الا الاهل البصر و الصبر» بلخشید مطلب طولانی شد؛ ارادت زیادی خدمتتان دارم ان شاء الله موید باشید.

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدای را شکر که بنده را قابل دانست و روح و روان پاک امثال شما را متوجهی عرایض این حقیر کرد، با آن جمع‌بندی خوبی که از مباحث دارید.

اگر در این دنیا بنا باشد ما به عالمی نظر کنیم که خوب است مأوای ابدی و حیاتِ پیش روی ما باشد، مأواگزیدن در روح پاک رفقایِ امثال جنابعالی است. آری برادر! آنچه گفتم، نه آن بود که من گفته بودم و نه آن بود که از من شنیده و یا خوانده‌اید؛ خدا خودش لطف کرد تا ما را مفتخر کند تا در محضرش از او غفلت نکنیم و عجیب است که می‌توانید در پیش خود آرام‌آرام آن‌گاه که به لطف الهی به ۴۰ سالگی برسید، شما نیز ندا سر دهید: «ربّانی ربّی اربعین سنة» راهی که در بستر انقلاب اسلامی انسان را به چنین فضایی وارد کند، یقیناً مطلوب انبیاء در طول تاریخ بوده است. خدا کند نسبت به آن مُعجب نگردیم تا به جای تواضع در مقابل سایر اندیشه‌ها، تحقیر یا بی‌تفاوتی آن‌ها را پیشه کنیم.

موفق باشید